



سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس در جریان جعل حدیث
اکرم حسین زاده، محمد شریفی، سیدمحسن موسوی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال نوزدهم، شماره ۷۴ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۱، ص ۱۷۰-۱۹۰

سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس در جریان جعل حدیث

اکرم حسین زاده^۱ / محمد شریفی^۲ / سیدمحسن موسوی^۳

چکیده

جعل حدیث از پدیده‌های آشکار در روایات اسلامی است. برخی از روایات جعلی از طریق شناسایی راویان آن مشخص می‌گردد. سند روایاتی که زنجیره افراد آن را وضاعان تشکیل داده‌اند، نشان از جعلی بودن حدیث است. ابن جوزی در الموضوعات به این افراد اشاره داشته و روایات مربوط به اینگونه افراد را نقل موضوعه به نام ثقات دانسته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی دو تن از افرادی که به نقل احادیث وضعی از ثقه معروفند، به بررسی روایات آنان پرداخته است. سلیمان بن ارقم متهم به وضع روایات از عایشه، ابهریره، زهری، حسن بصری است. این افراد از دیدگاه شیعه توثیق نشده‌اند. محمد بن یونس نیز به نقل موضوعه از ثقات متهم است که سند احادیث وی بیشتر به معصومین منتهی می‌گردد. شرایط و عوامل محیطی رجالیان در وضاع و کذاب نامیدن راویان مؤثر است. نقل احادیث بدون بررسی، موجبات ضعف ابن ارقم و محمد بن یونس را در زمان خویش فراهم نموده در حالی که واضع حدیث نبوده‌اند. برخی از این احادیث با داشتن سند صحیح، به دلیل برخی شواهد مانند وجود «حدیث معارض»، «عدم سازگاری با علم»، «شبیه نبودن به کلام معصوم»، «متناسب نبودن با اعتقادات شیعه»، جعلی و موضوع دانسته شده‌اند. بنابراین امکان ورود روایات منتقله از اهل سنت به شیعه از طریق جعل سند صحیح نیز وجود داشته است.

کلیدواژه‌ها:

سلیمان بن ارقم، محمد بن یونس، احادیث موضوعه، روایات منتقله، تدلیس.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران: AKRAMHOSEINZADE@GMAIL.COM
۲. دانشیار دانشکده الهیات علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول): M.SHARIFI@UMZ.AC.IR
۳. استادیار دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه الهیات دانشگاه مازندران: M.MUSAVIUMZ.AC.IR



۱. طرح مسئله

جعل حدیث از موضوعات غیر قابل انکار در احادیث اسلامی است. برخی سخنان حدیث نما به نقل از معصومین علیهم السلام و یا صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط برخی افراد به هر عامل و انگیزه‌ای ساخته می‌شدند. از برخی صحابه چون عایشه و ابوهریره احادیث زیادی نقل شد. با توجه به شواهد متعددی، برخی از احادیث نقل شده از سوی آنان ضعیف بوده و یا امکان جعل آن داده شده است. علامه عسکری با طرح سؤالاتی در خصوص مقدار احادیث نقل شده از عایشه می‌گوید: «آنچه ام‌المؤمنین عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده، بالغ بر ۲۲۱ حدیث است در حالی که از سایر (امهات مؤمنین) یعنی هشت نفر دیگر از زنان پیامبر تنها ۶۱۲ حدیث نقل شده است. احتمال بسیاری وجود دارد که افرادی، برای به کرسی نشاندن حرف غلط خود، احادیثی را به ایشان نسبت می‌دادند.» (عسکری، ۱۳۴۲ ش، ۴: ۴۷-۴۲) مانند احادیثی که از تصمیم بر خودکشی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اوائل بعثت خبر می‌دهند. رد پای این روایات در صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۷ ق، ۹: ۲۹) یافت می‌شود. اگر به سلسله سند روایاتی که در آن به جریان خودکشی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره شده دقت شود، فردی به نام معمر وجود دارد در حالی که در نقل‌هایی از احادیث که نام معمر نیست، قسمت پایانی حدیث (اقدام به خودکشی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) در آن ذکر نشده است. یعنی ادامه اصل روایت «از زیادات و ابتکارات شخصی معمر است.» (بخاری، ۱۴۰۷ ق، ۲۳: ۱۱۴ و ۸: ۱؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا، ۱: ۱۳۹؛ عسقلانی، بی‌تا، ۱۹: ۴۴۹).

بنابراین شناخت افرادی که به هر دلیل و انگیزه‌ای سخنان دروغ خود و یا سخن دیگران را به نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، صحابه و تابعان در اهل سنت و یا معصومین علیهم السلام در شیعه نسبت می‌دهند، ضروری می‌نماید. در الموضوعات ابن جوزی احادیثی جعلی شناخته شده‌اند که در سند آنان افراد وضاع وجود دارد. از جمله آنان سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس هستند. این دو تن متهم به فراوانی نقل احادیث موضوعه به نام ثقات هستند. همچنین به دلیل انتقادی که از این دو تن در زمان حیاتشان نیز وجود داشت، راویان هم طبقه با این دو نفر و یا راویان در طبقات بعدی، در سند احادیثی که این دو نفر حضور داشتند،

دست برده‌اند. احادیث نقل شده از سلیمان بن ارقم بیشتر از عایشه، ابوهزیره، زهری، حسن بصری و ابن سیرین است، در حالی که احادیث نقل شده از محمد بن یونس بیشتر به معصومان علیهم‌السلام ختم می‌شود. بنابراین مسأله پژوهش این است که سلیمان بن ارقم در سلسله سند چه روایاتی حضور دارد؟ در سند روایات از وی با چه عناوینی یاد شده است؟ موضوعات نقل شده از محمد بن یونس در چه حیطه‌ای است؟ آیا مشابه احادیثی که این دو نفر در سلسله سند آن‌ها وجود دارند، در کتب معتبر شیعه وجود دارد؟ اگر وجود دارد جعلی است یا خیر؟ هدف از پژوهش حاضر شناخت احادیثی است که از جانب این دو تن نقل و نزد رجالیان به عنوان احادیث موضوعه مطرح شده‌اند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پدیده جعل حدیث در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز وجود داشت. بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه معصوم علیهم‌السلام نیز بارها و بارها به خطر جعل حدیث و ورود آن به احادیث مسلمانان هشدار داده‌اند. و مسلمانان نیز در طول تاریخ اسلامی، به پدیده جعل حدیث توجه نموده‌اند.

در قرن ششم هجری با نگارش کتاب الموضوعات ابن جوزی، پالایش کتب حدیثی از احادیث جعلی آغاز شد. کتاب‌های دیگری نیز در خصوص احادیث جعلی نوشته شده از جمله کتاب تذکرة الموضوعات (فتنی، ۱۳۴۳ق)، کتاب کشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس (عجلونی، ۱۳۵۱ق)، کتاب حدیث و محدثان (ابوزهو، ۱۳۶۹ق)، کتاب المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف (ابن قیم جوزی، ۱۳۹۰ق)، اللئالی المصنوعة (سیوطی، ۱۴۱۷ق)، الموضوعات الکبیر (ملا علی قاری، بی‌تا)، کتاب المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (همو، بی‌تا)، کتاب اضواء علی السنة المحمدیه أودفاع عن الحدیث (ابوریه، ۲۰۱۹م)، کتاب نقش عایشه در تاریخ اسلام (عسکری، ۱۳۴۲ش)، کتاب ۱۵۰ صحابه ساختگی (همو، ۱۳۵۵ش)، کتاب غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم (صفری فروشانی، ۱۳۸۸ش)، درسنامه وضع حدیث (رفیعی محمدی، ۱۳۹۰ش)، وضع و نقد حدیث (مسعودی،

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱



۱۳۹۶ ش). همچنین مقالات زیادی نیز در زمینه احادیث جعلی نوشته شده است مانند مقاله‌ی: نقد و بررسی احادیث موضوعه (بهشتی، ۱۳۸۰ ش)، احادیث موضوعه و بررسی چند نمونه (کلباسی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش)، روش شناسی نقد علامه امینی رحمته الله علیه بر احادیث موضوعه (غروی نائینی، بهادری، ۱۳۹۰ ش)، تحلیل انتقادی کتاب «الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه» با محوریت احادیث مناقب امام علی علیه السلام (محمد زاده، ۱۳۹۹ ش) کتابها و مقالات در زمینه وضع حدیث فراوان هستند که برشمردن آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. اما کتابی که به جعل حدیث به عنوان یک جریان نگاه کرده کتاب «الموضوعات» ابن جوزی است که برخی از عوامل جعل حدیث را نام می‌برد. (ابوری، ۲۰۱۹ م: ۹۸-۹۹) ابوریه نیز ۱۲ مورد از مواردی که در جعل حدیث نقش داشته‌اند را برمی‌شمارد. (ابوری، ۲۰۱۹ م، ۹۸-۹۴) در کتاب الموضوعات ابن جوزی برخی از افراد متهم به نقل موضوعات به نام ثقات هستند که منجر به ایجاد جریان تدلیس در سند روایات حدیث شده‌اند. پژوهش حاضر به معرفی دو تن از این افراد و احادیثی که وضع نموده‌اند و همچنین تغییراتی که در سند روایات این دو نفر داده شده، پرداخته است.

سال نوزدهم، شماره ۷۴، بهار ۱۴۰۱

۲. سلیمان بن ارقم از دیدگاه رجالی

سلیمان بن ارقم (أبو معاذ بصری) مولى قریظه یا نضیر و یا مولى قریش، راوی برخی از احادیث نبوی است. وی از حسن بصری و یحیی بن کثیر و زهری و ابن سیرین روایت نقل کرده (دارقطنی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۱۵۵) و از سوی رجالیان حدیث مورد مذمت قرار گرفته است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ ق، ۱: ۳۲۸؛ ابن معین، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ دارقطنی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۱۵۵). بخاری احادیث وی را ترک کرده و در صحیح خویش نقل نکرده است. (بخاری، ۱۳۹۶ ق، ۱: ۵۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۱۶؛ عقیلی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۱۲۱) در صحیح مسلم نیز روایتی از وی مشاهده نمی‌شود.

ابن حبان در هنگام نامبردن از وی، او را واضح حدیث معرفی کرده که احادیث جعلی را به نام ثقات ساخته و یا اینکه احادیث ثقات را مقلوب می‌کند. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ ق، ۱: ۳۲۸) ابوزرعه وی را ذاهب (آورنده) حدیث و یحیی بن معین وی را فرد بی‌ارزشی معرفی

نموده است. (ابن معین، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶) سفیان ثوری و آدم بن موسی از ابی معاذ (سلیمان بن ارقم) حدیث نقل می‌کنند. (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۲۱) نسائی معتقد است که ابی معاذ ضعیف است. (نسائی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۴۸)

عمر بن نجیح (ذهبی، ۱۳۸۷ق، ۲: ۴۷۵؛ ابن زریق، ۱۴۲۸ق، ۲: ۹۶) و عمرو بن محمد الأعسم (الأعشم) (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۷۴؛ ذهبی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۳۰۵؛ همو، بی‌تا، ۲: ۴۸۹) به خاطر نقل از سلیمان بن ارقم ضعیف شناخته شده‌اند.

ابن جوزی در الموضوعات از سلیمان بن ارقم نام برده که در نقل احادیث جعلی به نام ثقات و قلب احادیث، مورد مذمت ابن جوزی قرار گرفته است. در سلسله سند احادیث، از سلیمان بن ارقم با عناوین دیگری یاد شده است. از جمله: أبامعاذ الصائغ (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۱۴۷)، محمد بن اسماعیل الصانع (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶۲) و مراد از شیخ در عبارت «عن شیخ عن الزهري: از شیخی از زهري» (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۹۰) همگی سلیمان بن ارقم هستند. این شخص در زمان خودش نیز مطرود بوده است. محمد بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که ما در ایام جوانی مان از مجالست با سلیمان بن ارقم نهی می‌شدیم. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۲: ۱۹۶).

سال نزول حدیث: ۱۴۰۴ هجری

بنابراین راوی حدیث پس از وی، به دلیل مطرود بودن این فرد، مجبور به تدلیس در سند حدیث بوده تا آن را از اعتبار نیندازد، به عنوان مثال: محمد بن سالم کوفی (أبوسهل) از جمله افرادی است که از ضعف نقل حدیث می‌کند. برای اینکه از ضعف سندی حدیث خود بکاهد، راوی ضعیف را با کنیه، خطاب می‌کند. در سند احادیث وی به جای نام بردن از سلیمان بن ارقم از لفظ أبومعاذ استفاده شده است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۲۶۲)

۳. احادیث موضوعه از سلیمان بن ارقم

از سلیمان بن ارقم احادیثی نقل شده که موضوعه خوانده شده است در حالی که برخی از آنان از نظر متنی مشکلی ندارند؛ مانند حدیث: «مَا أَحْسَنَ الْهَدْيَةِ أَمَامَ الْحَاجَةِ»^۱

۱. چه نیکوست هدیه دادن در زمان نیاز.

در سلسله سند حدیث آمده: «حَدَّثَنَا عَبَّادُ عَنْ شَيْخٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ»، عبارت «عن شیخ» همان سلیمان بن ارقم است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۹۰) با وجود اینکه ابن جوزی حدیث فوق را جعلی دانسته است اما به کار بردن عبارت «عن شیخ» برای پوشاندن ضعف سند حدیث فوق بوده است، زیرا همانگونه که بیان شد، سلیمان بن ارقم در عصر خود نیز متهم به وضع حدیث بوده است. در حدیث دیگر آمده: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ»^۱ این حدیث از طریق ابومعاذ صائغ... از رسول خدا ﷺ نقل شده است. ابن جوزی، ابومعاذ صائغ را همان سلیمان بن ارقم می‌داند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۱۴۷) در دو حدیث پیش گفته، راوی به خاطر ترس از ضعف سلیمان بن ارقم، وی را با لقب یا کنیه نام برده است و همین امر موجب شده تا ابن جوزی آن احادیث را موضوعه بنامد و گرنه از نظر متنی مشکلی در دو روایت فوق وجود ندارد.

۱-۳. اعتقاد به سهو النبی

از سلیمان بن ارقم روایت شده که «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ الْوَهْمِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ»^۲ (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۷۶۵) در ساختگی بودن حدیث همین بس که با اعتقادات شیعه در خصوص سهو النبی سازگار نیست.

۲-۳. حدیث صدقه

در حدیث «لَا تَذَرْنِي مَعْصِيَةً، وَكَفَّارَتُهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ»^۳ که از اباسلمه از عایشه مرفوعاً آمده، قسمت اول حدیث صحیح است ولی قسمت دوم حدیث که کفاره آن را بیان می‌کند، موضوعه است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۳۳) زیرا سلسله سندی که سلیمان بن ارقم راوی آن است، وارونه شده است.

حدیث صدقات از جمله احادیثی است که حضور سلیمان بن ارقم در آن مطرح است. این حدیث از طریق سلیمان بن داود خولانی ذکر شده است، که نزد

۱. از زیرکی مؤمن بیرهزید زیرا؛ وی با نور خدا نظر می‌کند.

۲. پیامبر ﷺ قبل از آنکه سلام دهد دو سجده وهم بجا آورد.

۳. نذر کردن در معصیت درست نیست و کفاره آن کفاره سوگند است.

رجالیان ثقه مأمون است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۳۴) ابوزرعه دمشقی و ابوعبدالله منده الحافظ معتقد هستند که اصل (کتاب) یحیی بن حمزه از سلیمان بن ارقم است و آنکه نام سلیمان بن داود خولانی را آورده، توهم نموده است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۸: ۲۹۹) یعنی، یحیی بن حمزه از سلیمان بن ارقم روایت نموده نه از سلیمان بن داود خولانی.

حدیث فوق به خوبی روند جعل حدیث یا تدلیس در سند حدیث را نشان می‌دهد. در سند حدیث ابتدا سوء ظن به زهری بوده زیرا؛ دو واسطه از سند روایت حذف شده بود (سلیمان بن ارقم و یحیی بن ابی کثیر) که آن را از ابی سلمه به طور مرسل نقل نمودند. ترمذی بعد از اخراج حدیث معتقد است که سوء ظن از زهری برداشته می‌شود زیرا؛ ابی سلمه از زهری حدیث نشنیده است. چرا که بین این دو نفر، دو واسطه وجود دارد که سلیمان بن ارقم و یحیی بن ابی کثیر است. در این حدیث تدلیس شده که از زشت‌ترین نوع تدلیس است (حنبل، بی‌تا، ۲: ۲۲۰) و انگشت اتهام در تدلیس در سند روایت فوق به سفیان ثوری و اعمش برمی‌گردد زیرا؛ بعید است که زهری به سلیمان بن ارقم که شاگرد وی بوده، سوء ظن داشته باشد، و از وی نامی نبرده باشد اما اعمش و ثوری به ثقه بودن سلیمان بن ارقم اعتقاد داشتند، اما به جهت آنکه دیگران وی را ضعیف می‌شمردند، نامش را از سند حذف نمودند. (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۴۰)

نمونه دیگری از تدلیس در سلسله سندی که نام سلیمان بن ارقم حذف شده، مربوط به حدیث: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ بِكِتَابٍ فِيهِ الْفَرَائِصُ، وَالسُّنَنُ» که در سند این روایت سلیمان بن ابی داود آمده که در اصل همان سلیمان بن ارقم است. علت موضوعه خواندن احادیث مطرح شده، اول تدلیس در سند حدیث و دوم متن حدیث است که در برخی از آنان اضافاتی رخ داده است. مانند حدیث صدقات که بخش اول آن «لا نذر فی المعصیه» صحیح و بخش دوم آن «کفارتہ کفارة یمین» از موضوعات سلیمان بن ارقم است. در ادامه حدیث آمده: «وَلَا يُصَلِّ أَحَدُكُمْ وَهُوَ عَاقِصُ شَعْرَةٍ؛ کسی که موهایش را وسط سرش بسته، نماز نخواند.» (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۳: ۱۴۷۰؛

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱

۴: ۱۹۸۱) در الکافی حدیثی آمده که «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ صَلَّى فَرِيضَةً وَهُوَ مُعَقَّضُ الشَّعْرِ قَالَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۰۹؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ۲: ۲۳۳) در حالی که حکم تحریم بستن مو در وسط سر برای مردان اجماعی نیست به خاطر ضعف روایت، بلکه اقوی این است که مکروه باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۱: ۳۰۹)

۳-۳. روایات اختلاف قرائت

سلیمان بن ارقم در سلسله سند برخی قرائات شاذ وجود دارد که همین امر موجبات ضعف آن قرائت را فراهم آورده است. برخی از این نمونه‌ها را می‌آوریم؛ الف در تفسیر طبری در قرائت آیه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^۲ (اسراء: ۹۶) در قرائتی شاذ آمده «عند الله علم الكتاب» این روایت از طریق قاسم... از هارون الأعور از زهری از پیامبر ﷺ نقل شده است. طبری معتقد است که این خبر نزد ثقات از اصحاب زهری اصلی ندارد و صحیح نیست. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۵۰۶) هیشمی در مجمع الزوائد اصل حدیث را خارج نموده و معتقد است که سند حدیث فوق منقطع است و دلیل آن هم اینکه هارون الأعور از زهری حدیثی شنیده است. پس فردی در سلسله سند جامانده که ابویعلی از سلیمان بن ارقم نقل کرده است. (هیشمی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۱۵۵) برخی معتقدند که بین هارون الأعور و زهری، سلیمان بن ارقم وجود دارد. با توجه به تاریخ وفات زهری (۱۲۴ق) و سال وفات هارون الأعور (۱۷۰ق) این امکان که هارون الأعور از زهری حدیث شنیده باشد، وجود داشته است. اما هیچ حدیثی غیر از حدیث فوق از هارون الأعور از زهری وجود ندارد. همین امر موجب شده تا در تخریج حدیث فوق وجود سلیمان بن ارقم محتمل شمرده شود. (سیوطی، بی‌تا، ۴: ۶۶۸؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۵۰۶)

در نقلی دیگر سلیمان بن ارقم از زهری آمده که رسول خدا ﷺ آیه را چنین می‌خواندند:

۱. مردی نماز واجبی خواند در حالی که موهایش را وسط سرش بسته بود. امام فرمود: نمازش را اعاده کند.
۲. (ای پیغمبر پس از اتمام حجت به امت) بگو: خدا شاهد میان من و شما کافی است که او به (احوال) بندگانش آگاه و بصیر است.

«وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمَ الْكِتَابِ» که به خاطر وجود سلیمان بن ارقم قرائت فوق جعلی شناخته شده است. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۵: ۳۰۲)

ب- در قرائت آیه «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»^۱ (اعراف: ۲۶) در قرائت کلمه «ریشاً» از زبان عثمان بن عفان آمده «ریشاً» که سلسله سند آن را سلیمان بن ارقم از حسن نقل کرده است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۲: ۳۶۷-۳۶۸) طبری معتقد است که در سلسله سند روایاتی که در آن کلمه «ریشاً» آمده باید دقت نمود. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۳)

ج- نمونه‌ای دیگر در قرائت آیه شریفه ۱۲۶ از سوره مبارکه بقره «فَأَمْتَعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ» سلیمان بن ارقم... از ابن عباس روایت کرده: «فَأَمْتَعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ» که به صورت دعایی از زبان حضرت ابراهیم عليه السلام مطرح شده است که احتمالات تفسیری را به دنبال دارد. و این روایت به دلیل وجود سلیمان بن ارقم ضعیف است. (ابن جنی، ۱۴۲۰ق، ۱: ۱۰۵-۱۰۴)

۳-۴. روایت تحریف قرآن

سلیمان بن ارقم از زهری نقل می‌کند که دو مرد سوره‌ای را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن دو إقرأ کرده بود، پیوسته می‌خواندند. شبی برخاستند که نماز بخوانند حتی حرفی از آن سوره را به خاطر نیاوردند. فردا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتند و موضوع را بیان نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت که آن سوره از جمله مواردی است که نسخ و فراموش شده است. پس، از آن دوری کنید. (ابن کثیر، بی‌تا، ۱: ۳۷۷-۳۷۶) روایت فوق نیز به دلیل وجود سلیمان بن ارقم ضعیف است. (ابن کثیر، بی‌تا، ۱: ۳۷۷-۳۷۶) بحث نسخ سوره یا آیه‌ای که موجب نسیان گردد، نزد شیعه قابل پذیرش نیست.

برخی احادیث نیز وجود دارند که تنها سلیمان بن ارقم از زهری روایت می‌کند. (متقی

۱. ای فرزند آدم، محققاً ما لباس که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارای بعد برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادم) شاید خدا را یاد آرند.



هندی، ۱۴۰۱ق، ۲: ۲۹۸) مانند روایتی که در آن پیامبر ﷺ فراموش می‌کند آیه‌ای را در نماز بخواند و سؤال کننده از پیامبر ﷺ می‌پرسد که آیا این آیه نسخ شده است یا نه؟ (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۸: ۲۹۵) که به سهوالنبی اشاره دارد.

۴. محمد بن یونس قرشی از دیدگاه رجالی

محمد بن یونس بن موسی بن سلیمان بن عبید بن ربیع بن کدیم أبوالعباس قرشی سامی بصری معروف به کدیمی (متوفای ۲۸۶ق)، پسر همسر روح بن عباد است. او از راویان زیادی روایت کرده است و افراد زیادی نیز از وی روایت کردند. گفته شده که وی متهم به ساختن بیش از هزار حدیث است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۲۹۰ و ۲: ۱۶۳)

از تاریخ برمی‌آید که وی در سلسله سند احادیث نیز دست می‌برد و متهم به جعل حدیث و دزدی ادبی است. ادعای دیدن مردمی را می‌کرد که ندیده بوده و از مردمی روایت می‌کرد که آنها را نمی‌شناخت، حتی از افرادی که مرده بودند، روایت نقل می‌نمود گویا که زنده هستند. روایت خود را به پدر بزرگ خود موسی نسبت می‌داد که شناخته شده نیست. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۷: ۵۵۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸) اعتبار روایات معلی بن فضیل که نزد رجالیان ثقة است به خاطر وجود کدیمی مورد قبول نیست. (دارمی بستی، ۱۳۹۳ق، ۹: ۱۸۲) برخی معتقدند که خلیفه بن خیاط ملقب به شباب العصفری، به خاطر اینکه از کدیمی روایت کرده، ضعیف شمرده شده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۳: ۵۱۷) کدیمی در طب معروف بوده و روایات منکرو غریب، زیاد می‌گفت. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸)

أبو بکر أحمد بن مطلب هاشمی گفته که روزی نزد قاسم بن زکریا مطرز بودیم که در حال قرائت مسند ابی هریره بود. در کتابش به حدیثی از کدیمی رسید، از قرائت آن امتناع ورزید. محمد بن عبد الجبار که از کدیمی بزرگتر بود برخاست و گفت ای شیخ دوست دارم آن را بخوانی. قاسم إبا کرد و گفت: من فردا در نزد خداوند زانو خواهم زد و خواهم گفت: این فرد بر رسول تو و بر علماء دروغ می‌بست. (حلبی، ۱۴۰۷ق، ۲۵۴؛ خطیب

بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸) علی بن مدینی که هم طبقه با وی بوده به او گفت: نزد تو چیزهایی است که نزد من نیست. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸)

کدیمی در زمان خود نیز به وضع حدیث متهم بوده است و از این بابت متأثر و گریان شده و کسانی که به وی تهمت کذب بر رسول خدا ﷺ را زدند به روز قیامت و در پیشگاه خداوند حواله کرده است. جعفر طرابلسی گفته کدیمی ثقه است و علت متهم بودن وی به خاطر این است که اهل بصره هر آنچه را که می شنیدند حدیث می کردند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۶۸۸)

ابن جوزی از محدثینی که تنها به کثرت روایاتشان اکتفا می کنند و احادیث را هر چند موضوعه باشد، نقل می کنند بدون اینکه آن را برای مردم تبیین نمایند انتقاد می نماید و آن را از قبیح ترین خطاها و جنایت بر اسلام می شمارد. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۵۳: ۵۲) وی معتقد است کسانی که از کذاب و ضعیف نقل روایت می کنند بدون اینکه نامی از وی ببرند یا اینکه از وی بالقب و کنیه یاد می کنند تا ضعف سندی خود را بپوشانند، بر اسلام جنایت کردند؛ مانند نام محمد بن موسی در سلسله سند روایات در حالی که وی محمد بن یونس بن موسی (کدیمی) است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۵۳: ۵۲)

۵. احادیث موضوعه از کدیمی

محمد بن یونس که در سلسله سند روایت با عنوان کدیمی نیز ذکر شده است احادیثی را به نقل از صحابه و معصومین بیان می دارد که در وضعی بودن آن شکی نیست؛ مانند:

۵-۱. حدیث صباغون و صواغون

کدیمی... از رسول خدا ﷺ روایت نمود که «أَكْذَبُ النَّاسِ الصَّبَاغُونَ وَالصَّوَاغُونَ»^۱ (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ق، ۱: ۵۲) نسبت دروغگویی به همه افراد یک صنف نشان از جعلی بودن حدیث فوق دارد.

۱. رنگرزان و جواهر فروشان دروغگوترین مردمان هستند.



۲-۵. حدیث سروران پیران بهشت

حدیث «لَتَسْبُوْا اَبَابَكُرُو عَمْرٍ، فَاِنَّهُمَا سَيِّدَا كَهَوْل اَهْل الْجَنَّةِ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ اِلَّا النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ» (خویی، بی تا، ۲: ۳۴۶-۳۴۵) از کدیمی است. در ضعف حدیث فوق همین بس که در بهشت پیری وجود ندارد. علاوه بر آن کدیمی نزد رجالیان حدیث متهم است. شبیه حدیث فوق از ابومعاذ (سلیمان بن ارقم) در کتاب المصنف ابن ابی شیبہ آمده است. (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ ق، ۶: ۳۵۰)

۳-۵. حدیث فضل کاسنی

گفته شده که کدیمی در سلسله سند روایات طبی نیز حضور دارد. ابن قیم جوزیه در کتاب المنار المنیف از زبان ابن جوزی، روایات باب اطعمه و اشربه، خواص گیاهان دارویی و برتری گل‌ها را ساختگی دانسته است. (ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۵۴ و ۱: ۱۳۰) مانند حدیث فضل کاسنی (هندباء) (ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۵۴ و ۱: ۱۳۰) که ابن جوزی روایت آن را به دلیل وجود کدیمی ساختگی می‌داند. روایتی از امام حسین علیه السلام نقل شده که «مَا مِنْ وَرْقَةٍ مِنْ وَرَقِ الْهِنْدِ بَا اِلَّا عَلَيَّهَا قَطْرَةٌ مِنْ مَاءِ الْجَنَّةِ»^۱ که در سند آن محمد بن یونس آمده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ ق، ۲: ۲۹۸-۲۹۹) حدیث فضیلت کاسنی در کتاب کافی با ده سند آمده است که در یکی از آن‌ها نقل شده: «وَفَضْلُهَا عَلَى الْبُقُولِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۳۶۳) با این وجود حدیثی در همین کتاب آمده در برتری کراث (تره) بر هندباء که با وجود سخن امام در برتری هندباء، امام علیه السلام به حنان می‌گوید که کراث بخورد به خاطر اینکه هفت قطره از بهشت در هر روز بر تره می‌بارد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۳۶۳) سؤالی که مطرح می‌شود این است که نتکاندن کاسنی به دلیل وجود قطره‌ای از آب بهشت بر آن قبل از شستن کاسنی است یا بعد از آن؟! اگر قبل از آن باشد که خوردن سبزی نشسته، هیچ‌گاه توصیه نمی‌شود و اگر بعد از شستن آن باشد که وجود قطره‌ای از آب بهشت بر آن معنا ندارد. نکته دیگر که نظریه جعلی بودن روایت فوق را قویتر

۱. هیچ برگی از کاسنی وجود ندارد مگر اینکه قطره‌ای از آب بهشت بر روی آن باشد.

۲. و برتری آن بر سایر سبزیجات مانند برتری ما بر سایر مردم است.

می‌کند این است که برای تره نیز همین خصوصیات ذکر شده است. کنار هم گذاشتن احادیثی که در کتاب‌های معتبر شیعه در برتری سایر سبزیجات و نوع نقل آن احادیث آمده که گاه در تعارض با حدیث فوق است، ظن به جعلی بودن برخی از آنان را قوی‌تر می‌سازد. احادیثی که خود آن‌ها نیز به خاطر معارض بودن با همدیگر و یا مشکلات دلالی دیگر می‌تواند ساختگی باشد. مانند حدیث: عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: «كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَمِلْتُ عَلَى الْهَنْدَبَاءِ فَقَالَ لِي: يَا حَنَانُ! لِمَ لَا تَأْكُلُ الْكَرَاثَ قُلْتُ لِمَا جَاءَ عَنْكُمْ مِنَ الرَّوَايَةِ فِي الْهَنْدَبَاءِ فَقَالَ: وَمَا الَّذِي جَاءَ عَنَّا. قُلْتُ: إِنَّهُ قِيلَ عَنْكُمْ إِنَّكُمْ قُلْتُمْ إِنَّهُ يَقَطَّرُ عَلَيْهِ مِنَ الْجَنَّةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَطْرَةٌ قَالَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكَيْفَ أَكُلُهُ؟ قَالَ: افْطَعْ أَصُولَهُ وَاقْذِفْ بِرُءُوسِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۶: ۳۶۵-۳۶۳). توجه به احادیث فراوانی که در فضل کاسنی از پیامبر ﷺ نقل شده و در فضیلت و برتری آن سخنان زیادی گفته شده، تره بر کاسنی برتری می‌یابد. فراموشی امام در مورد سخنی که قبلاً گفته و نادیده گرفتن سخنان پیامبر ﷺ در فضیلت و برتری کاسنی، ظن به جعلی بودن این روایت از کتاب کافی را نیز قوی می‌سازد.

سال نوزدهم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۱

۴-۵. پیامبر بعد از خاتم النبیین

در برخی روایات وارد شده است که اگر فرزند پیامبر ﷺ - ابراهیم علیهِ السلام - از دنیا نمی‌رفت، او پیامبر می‌بود. (سیوطی، ۱۴۲۴ ق، ۲: ۱۲۰) همه احادیث در این رابطه، از نظر سندی ضعیف هستند. خصوصاً روایتی که در سند آن محمد بن یونس (کدیمی) آمده که با واسطه از ابن عباس نقل نموده است. نکته قابل تأمل اینکه رجالیان حدیث چون ابن حجر در الإصابه به توجیه روایت پرداختند. (ابن حجر، ۱۴۱۵ ق، ۱: ۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۲۴ ق، ۲:

۱. با ابی عبدالله بر سر سفره بودیم. پس، من از کاسنی خوردم پس به من گفت: یا حنان! چرا تره نمی‌خوری؟ گفتم به خاطر آنچه از روایت شما که در مورد کاسنی گفته شده است. فرمود: و چه چیزی از ما آمده است، گفتم: همانا از شما گفته شده که فرمودید: بر کاسنی قطره‌ای از بهشت است. پس امام علی علیه السلام گفت: پس بر تره هفت قطره از بهشت است. به ایشان گفتم چگونه بخورم آن را فرمود: ریشه‌اش را قطع کن و سرهایش را بردارید.

۱۲۱-۱۲۰) که اگر قرآن ملاک عمل قرار می‌گرفت نادرستی حدیث مشخص بود. آیه شریفه ۴۰ از سوره مبارکه احزاب حضرت محمد ﷺ را خاتم النبیین می‌نامد. زمان نزول سوره احزاب قبل از تولد ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ بوده است. پس تمامی روایاتی که به نبی بودن ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ اشاره دارد ساختگی است.

۶. احادیث جعلی مشترک میان سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس

رجالیان در بررسی اسناد روایات همه طرق آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. حدیثی که از چند طریق ذکر شده باشد همه طرق آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گاه برخی از طرق روایات دارای زنجیره صحیح هستند، اما برخی طرق روایات از افراد ضعیف یا وضاع نقل شده است. زمانی اعتماد به طور کامل از حدیث سلب می‌شود که در تمام طرق آن فردی متهم به کذب یا وضع حدیث وجود داشته باشد. در سلسله سند برخی احادیث جعلی شناخته شده از کتاب‌های موضوعه نگاری، در هر سند جداگانه فردی وضاع وجود دارد که اصل حدیث را از اعتبار می‌اندازد. اینک به احادیثی پرداخته می‌شود که دو طریق آن به سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس کدیمی ختم می‌شود که وضعی شناخته شده‌اند.

۶-۱. حدیث زرقه العین

حدیث «چشم آبی یمن است و حضرت داود چشم آبی بود.» از سلیمان بن ارقم نقل شده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۱۶۲) در کشف الاسرار میبیدی نیز حدیث فوق از آبی هریره نقل شده است که «الزرقه یمن و کان داود علیها ازرق» (میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۶: ۲۷۶) از عایشه نیز نقل شده است: «الزُّرْقَةُ فِي الْعَيْنِ يَمِين» که در سلسله سند روایت فوق عباد بن صهیب و محمد بن یونس کدیمی وجود داشته و روایت به خاطر وجود این دو نفر جعلی دانسته شده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۱۶۲) پس در سند روایات فوق دو فرد وجود دارند که به نام ثقات موضوعات را نقل می‌کنند. در کتب شیعه نیز وارد شده است که: «تَزَوَّجُوا الزُّرْقَ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْيُمْنَ»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۳۵) در حالی که حدیثی داریم که

۱. با زنان چشم آبی ازدواج کنید زیرا؛ در آن‌ها یمن و مبارکی است.

مؤمنان متاع خیر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲: ۱۷۸) و مجرمان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷: ۸۱) در روز قیامت چشمانشان آبی است. با توجه به اینکه حدیث فوق در منابع شیعی حدیث معارض نیز دارد، جعلی دانستن یکی یا هر دوی آن‌ها محتمل است.

۲-۶. حدیث حسان الوجوه

حدیث: «اَظْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ وَاسْمُوا بِخِيَارِكُمْ، وَإِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ» در سلسله سند این حدیث محمد بن اسماعیل وجود دارد که با واسطه از زهری حدیث نقل کرده است. ابن جوزی واضح حدیث را محمد بن اسماعیل (سلیمان بن ارقم) می‌داند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶۲) بنابراین راویان در طبقات بعدی به جای ذکر نام سلیمان بن ارقم، از وی با عنوان محمد بن اسماعیل نام بردند تا ضعف سندی حدیث فوق را بپوشانند.

حدیث فوق از طریق کدیمی نیز نقل شده است که: «اَظْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ» (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶۰) در کتب شیعه نیز حدیث فوق با اسناد متفاوت ذکر شده است. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۳۹۴) در کتاب کافی بخش دوم حدیث سلیمان بن ارقم آمده که: «إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۵۹) دقت در معنای واژگان مشخص خواهد نمود که حدیث فوق جعلی است یا خیر. معنای حسان الوجوه نباید زیبارو باشد زیرا؛ در حدیث دیگری آمده: «اَظْلُبُوا خَوَائِجَكُمْ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ، فَإِنْ قَضَىٰ حَاجَتَكَ قَضَاهَا بِوَجْهِ طَلِيقٍ، وَإِنْ رَدَّكَ رَدَّكَ بِوَجْهِ طَلِيقٍ، فَرُبَّ حَسَنِ الْوَجْهِ دَمِيمُهُ عِنْدَ طَلَبِ الْحَاجَةِ، وَرُبَّ دَمِيمِ الْوَجْهِ حَسَنُهُ عِنْدَ طَلَبِ الْحَاجَةِ»^۲ (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۶: ۵۲۰) ادامه حدیث نشان می‌دهد که مراد از حسان الوجوه، انسان خوش‌رواست نه انسان زیبارو. بنابراین اگر مراد احادیث، زیبا رویان باشد، حدیث جعلی است، اما اگر مراد از آن انسان‌های خوش‌رو باشد همانگونه که ابن

۱. خیر را نزد نیکو رویان بطلبید و به اختیارتان نام ببرید و هرگاه کریم قومی را دیدید او را گرامی بدارید.
۲. نیازهای خود را از خوش‌رویان بخواهید؛ زیرا اگر نیاز تو را برآورده کند، با گشاده‌رویی می‌کند و اگر دست رد به سینه‌ات زند، باز با گشاده‌رویی می‌زند. بسا خوش‌رویی که در هنگام نیاز خواهی از او، زشت‌رو می‌شود و بسا زشت‌رویی که در هنگام نیاز خواهی از او خوش‌رو می‌شود.

منظور به آن تذکر داده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵: ۲۱۳) حدیث صحیح است.

۳-۶. حدیث پوشیدن صوف

حدیث «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللَّهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ الصُّوفِ» از طریق احمد بن عبدالله جویباری از... ابی هریره از رسول خدا نقل شده که در وضاع بودن جویباری شکی نیست. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۵۰-۴۹) و حدیث «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجِدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فَلْيَلْبَسِ الصُّوفِ» از سلیمان بن ارقم نقل شده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۳۱؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۴۹-۵۰)

کدیمی نیز در خصوص پوشیدن لباس صوفی حدیثی دارد که «احمد بن احمد متوکلی... از محمد بن یونس... از رسول خدا ﷺ نقل شده که «عَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تَجِدُوا حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فِي قُلُوبِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تَجِدُوا قِلَّةَ الْأَكْلِ، وَعَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تُعْرِفُونَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِنْ لِبَاسِ الصُّوفِ يُورِثُ الْقَلْبَ التَّفَكُّرَ»^۱ رجالیان معتقدند که واضع حدیث فوق کدیمی بوده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۴۹-۴۸) در کتاب الکافی دو حدیث در مذمت و یک حدیث در مدح پوشیدن لباس صوف آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۵۰-۴۴۹)

۷. نظریه مختار درباره وضعیت رجالی سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس

یکی از اشکالاتی که بر کتاب الموضوعات ابن جوزی وارد است، اینکه وی احادیث ضعیف را هم در زمره احادیث جعلی گنجانده است. علت آن به بررسی‌های سندی رجالیانی چون ابن معین و ابن حبان و دیگران برمی‌گردد. بررسی این نکته که شرایط زمانی و محیطی‌ای که در آن راویان چه در شیعه و چه اهل سنت تضعیف شده‌اند، مهم است. کذاب خواندن برخی راویان به معنای دروغ‌گویی آن‌ها نیست؛ زیرا در میان حجازیان کسی که خطا کرده باشد کذاب نامیده می‌شود. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۶: ۱۱۴) به عنوان مثال یحیی بن معین از رجالیان اهل انبار بوده است که به

۱. بر شما باد به پوشیدن لباس پشم که شیرینی ایمان را در قلبتان می‌یابد و به کم خوردن دست می‌یابد و در آخرت او را می‌شناسید و همانا لباس پشم قلب را به تفکروا می‌دارد.

مراکز علمی چون حجاز سفر کرده است و حدیث آنان را فرا گرفت (ابویعلی، ۱۴۰۹ق، ۵۹۵:۲) پس اگر از روایانی با عنوان کذاب نام برده، امکان خطای راوی در نقل روایت وجود داشته است. نه وضاع بودن وی. سخن دیگر اینکه چه بسا راوی به خاطر نقل حدیث کذب، کذاب یا واضع حدیث خوانده شده است، گرچه خود اهل بر ساختن حدیث نباشد. (رک: شاه پسند، ۱۳۹۵ش، ۱۳۳) با توجه به اینکه ابن ارقم و محمد بن یونس در زمان خودشان متهم به نقل بدون بررسی روایات بودند و هر آنچه می شنیدند نقل می نمودند، کذاب و یا واضع حدیث خوانده شده اند؛ در حالی که ضعف آنان در نقل روایات ضعیف و جعلی پذیرفتنی است.

۸. نتیجه

۱- نقل احادیث وضعی در شیعه و اهل سنت، موجب کنکاش در احادیث و بررسی متنی و سندی آن ها نزد رجالیان و محققان شده است. افرادی در زنجیره سند احادیث به عنوان جاعلان حدیث معروف شده اند. رجالیان اهل سنت افرادی را به وضع حدیث به نام ثقات متهم نمودند. افرادی که در میان رجالیان شیعه نه تنها ثقه نبوده، بلکه خود واضع حدیث هستند.

۲- سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس از جمله افرادی هستند که به نقل احادیث دروغین به نام ثقات معروفند. از آنجایی که این دو فرد در زمان خودشان نیز به ضعف و یا کذب متهم بوده اند، راویان بعدی برای جلوگیری از ضعف سند روایات خود، با ذکر لقب یا کنیه ای چون ابومعاذ، عن شیخ، محمد بن اسماعیل برای سلیمان بن ارقم و بیان نام جد کدیمی به صورت محمد بن موسی به جای محمد بن یونس و همچنین حذف این دو نفر از سلسله سند روایات بدون ذکر انقطاع، از اعتبار احادیث خویش نزد رجالیان کاسته اند.

۳- به نظر می رسد این دو نفر جاعل حدیث نباشند، بلکه به خاطر نقل بی مهابای هر آنچه که می شنیدند، در زمره جاعلان حدیث جای گرفته اند.

۴- برخی از احادیث این دو نفر که موضوعه شناخته شده در کتب شیعه با سند

صحیح به معصوم علیه السلام می‌رسد. برخی احادیث این دو تن با اعتقادات شیعیان مخالف است مانند: روایات در تحریف قرآن و سهو النبی. برخی دیگر از این روایات با علم سازگار نیست مانند: خوردن گیاه نشسته یا تعویذ ائمه و همچنین برخی از احادیث با آیات قرآن سازگار نیست مانند: نبوت فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله. و برخی از روایات در کتب شیعه دارای حدیث معارض است مانند: روایات خوش یمن بودن چشم آبی‌ها. بنابراین این احتمال مطرح می‌شود که برخی از احادیث اهل سنت به کتب شیعه راه یافته، از روایات منتقله باشد.

فهرست منابع

قرآن

۱. ابن ابی شیبہ، ابوبکر، الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، محقق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین، عیون أخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج، الموضوعات، محقق: عبد الرحمن محمد عثمان مدینه: محمد عبد المحسن صاحب المکتبة السلفية، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج، الضعفاء والمتروکون، محقق: عبد الله القاضي، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن زریق، محمد بن عبد الرحمن بن محمد، من تکلّم فیہ الدّارقطنی فی کتاب السنن من الضعفاء والمتروکین والمجهولین (فیہ أكثر من مائتی ترجمة لیست فی سنن الدارقطنی المطبوع)، محقق: أبو عبد الله حسین بن عکاشة، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية بدولة قطر، ۱۴۲۸ق.
۶. ابن عدی، احمد، الکامل فی الضعفاء، محقق: عادل أحمد عبد الموجود-علی محمد معوض و عبدالفتاح أبو سنة، بیروت، الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۷. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، المنار المنیفة فی الصحیح والضعیف، محقق: عبد الفتاح أبو غدة، حلب، مکتبة المطبوعات الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن خطیب، تفسیر ابن کثیر، بی نا، سلامه، بی تا.



۹. ابن معین، ابوزکریا یحیی، تاریخ ابن معین (روایه عثمان الدارمی)، محقق: أحمد محمد نور سیف، دمشق، دار المأمون للتراث، بی‌تا.
۱۰. ابن جنی، أبوالفتح عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات والإیضاح عنها، قاهره، وزارة الأوقاف-المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابوریثه، محمود، اضواء علی السنه المحمدیه أو دفاع عن الحدیث، قاهره، دارالمعارف، چاپ ششم، ۲۰۱۹م.
۱۳. ابویعلی، خلیل بن عبدالله، الإرشاد فی معرفه علماء الحدیث، محقق: محمد سعید عمر ادیس، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۱۴. اصفهانی، ابونعیم، معرفة الاصحاح لأبی نعیم، محقق: عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ق.
۱۵. بخاری، أبوعبدالله محمد بن اسماعیل، الضعفاء الصغیر، محقق: محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
۱۶. -----، صحیح البخاری، محقق: قاسم شماعی رفاعی، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. حلبی، برهان الدین، الكشف الحثیث عن رمی بوضع الحدیث، محقق: صبحی سامرائی، بیروت، عالم الكتب، مکتبه النهضة العربیة، ۱۴۰۷ق.
۱۹. خطیب بغدادی، أبوبکر، تاریخ بغداد، محقق: بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
۲۰. حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم، علی امام البرره، قم، دارالمهدی، بی‌تا.
۲۲. دارقطنی، أبوالحسن علی بن عمر، الضعفاء والمترکون، محقق: عبد الرحیم محمد القشقری، مدینه، مجلة الجامعة الإسلامية، ۱۴۰۳ق.
۲۳. دارمی بستی، ابن حبان، الثقات، محقق: محمد عبدالعمید خان مدیر دائرة المعارف العثمانیه، هند، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۳ق.

۲۴. -----، المعجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين، محقق: محمود ابراهيم زايد، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
۲۵. ذهبی، شمس الدين، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محقق: علي محمد البجاوي بيروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۲۶. -----، ديوان الضعفاء والمتروكين وخلق من المجتهولين وثقات فيهم لين، محقق: حماد بن محمد الأنصاري، مکه، مكتبة النهضة الحديثة، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
۲۷. -----، المغنی فی الضعفاء، محقق: نورالدين عتر، بی نا، بی جا، بی تا.
۲۸. -----، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، قاهره، مكتبة التوفيقية، ۱۴۱۳ق.
۲۹. سبوطی، عبدالرحمن بن أبی بكر، الحاوی للفتاوی، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۴۲۴ق.
۳۰. -----، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۱. شاه پسند، الهه، «پژوهشی درباره وضعیت حفص بن سلیمان قاری (در پرتو تمییز مشترکات رجالی)»، علوم حدیث، دوره ۲۱، شماره ۷۹، صص ۱۲۲-۱۴۳.
۳۲. شنقیطی، محمدآمین، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ق.
۳۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، محقق: أحمد محمد الشاکر، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۳۵. -----، الامالی، قم، مؤسسه البعثة دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۳۶. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، بی جا، بی نا، بی تا.
۳۷. عسکری، سید مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، سید مرتضی عسکری، مترجم: عطاء محمد سردارنیا، قم، انتشارات مجمع علمی اسلامی، ۱۳۴۲ش.
۳۸. عقیلی، أبوجعفر محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، محقق: عبد المعطي أمين قلعجي، بیروت، دارالمکتبه العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۳۹. کشیری نیشابوری، مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ،



- محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دارإحياء التراث العربي، بی تا.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری / محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۱. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، محقق: بکری حیانی - صفوة السقا، بی جا، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، محقق: سید ابراهیم میانجی، محمد باقر بهبودی، بیروت، دارالإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۴۳. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، محقق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۴۴. نسائی، أبو عبد الرحمن احمد بن شعيب، الضعفاء و الممتروكون، محقق: محمود ابراهيم زايد، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.